

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۵۹ خرداد ۱۴۰۰

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

بازهم انتخابات و ماجرای نافرجام اصل ۱۵

باز هم نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران به پیش می رود و روی صحنه آمده است که نشانگر خستگی تماشاگران از بازی ها و دیالوگ های تکراری است، این باز نمایش به قدری مضحک و بی پایه است که صدای کارگردان هم در آمده و به شورای نگهبان خود ساخته اعتراض کرده که چرا تعداد دیگری از دلدادگان ایشان (علی لاریجانی و ...) را رد صلاحیت کرده است، ولی شورای دست ساخت «خامنه ای» این بار توجهی به حکم حکومتی وی نشان نداده و جفای خود را هم جبران نکرده و به راه خود ادامه می دهد، به هر رو در دوران انتخابات (انتصابات) فضای سیاسی کشور تغییر می کند که این بار هیچ هنجاری به چشم نمی خورد که به نظر می رسد مردم تصمیم خود را گرفته اند و در انتخابات ساختگی و نمایشی شرکت نخواهند کرد، از این رو رژیم و کاندیداهای دستچین شده در نمایش به هر ترفندی دست خواهند زد تا مردم را به شرکت در این نمایش تکراری و کسل کننده ترغیب و تشویق کنند. یکی از آن ترفند های تکراری در هر دوره مطرح کردن حقوق ملل ساکن در گستره ایران و اجرای اصل ۱۵ از قانون اساسی است که با پایان نمایش آنهم به فراموشی سپرده می شود.

این بار در اولین مناظره که پیرامون اقتصاد و برنامه های آنان برای آینده بود سخن تازه ای شنیده نشد، شاید به این دلیل بود که اکثر شرکت کنندگان آگاهی لازم و کافی را با مفاهیم اقتصادی نداشتند و

ادامه در ص ۱۶

در این شماره

- وضعیت کارگران وزحمتکشان کشورمان در سالی که گذشت! ص ۵
- خودکشی در ایران ریشه در معضله های اقتصادی و اجتماعی کشور دارد ص ۸
- نگاهی مختصر به وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کردستان ایران ص ۱۰
- محاسبات دو گانه مداخله گران ص ۱۲
- از دیپلماسی تا جنگ - یک قدم! ص ۱۴

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان درباره تحریم نمایش انتخابات ریاست جمهوری



هم میهنان گرامی!

خواهران و برادران آذربایجانی!

نمایش انتخابات ریاست جمهوری مورد نظر

ولایت فقیه روز ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد. رویدادهای ماه ها و که این نمایش مهندسی شده هفته های اخیر به روشنی نشان داد توسط شورای نگهبان و با رهبری ولی فقیه، همچون چند دهه گذشته در واقع برای انتصاب یک نفر به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران تنظیم گردیده است.

ادامه در ص ۲

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان درباره تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۰



شرکت در نمایش انتخاباتی رژیم ولایت فقیه به هر شکل و دلیل و بهانه ای، فقط در خدمت ادامه حکومت استبدادی کنونی و مقبولیت بخشیدن به آن است!

پیش به سوی سازمان دهی هر چه گسترده تر اعتراض های مدنی و مردمی بر ضد ظلم و استبداد!

هم میهنان گرامی!

نمایش مفتضحانه سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ با شرکت گماردگان ولی فقیه و رهبری سپاه،

ادامه در ص ۳

به مناسبت ۷۴-مین سالگرد شهادت قهرمانانه رفیق فریدون ابراهیمی، قهرمان ملی خلق های ایران



روز اول خردادماه سال ۱۳۲۶، ساعت ۴ صبح، مقابل باغ گلستان تبریز، مردی ۲۸ ساله از سلاله قهرمانان آذربایجان، با قلبی سرشار از عشق به زحمتکشان و همه خلقهای ایران، با گامهای استوار به سوی چوبه دار می رود.

او فریدون ابراهیمی، قهرمان توده ای، فرزند برومند خلق آذربایجان، عضو کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان،

ادامه در ص ۴

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

اعلامیه کمیته مرکزی...

در برابر توده های مردم ما گزینه دیگری هم وجود دارد. ولی گزینه دیگر دلبستن به دخالت های آمریکا و متحدین او و نیز محافل سلطنت طلب و دیگر محافل وابسته به بیگانگان نیست.

گزینه صحیح همانا تحریم فعال نمایش انتخابات به منظور نشان دادن بی اعتباری حکومت از طرف صفوف متحد و گسترده و با شرکت تعداد هر چه بیشتری از مردم است.

تحریم فعال انتخابات راه گشای تشکیل جبهه ای با شرکت طبقات و اقشار هر چه وسیعتری از مردم، اعم از کارگران و زحمتکشان و معلمین و بازنشستگان و پرستاران و زنان و جوانان و خلق های ساکنن کشورمان با هدف نهائی استقرار حکومتی مردمی برای دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و رفع هر گونه تبعیض میان منسوبین به ملیت ها و مذاهب گوناگون میهنمان ایران است.

بر این اساس، فرقه دمکرات آذربایجان همه هم میهنان و همه خلق های ساکن کشورمان را برای تحریم فعال انتخابات فرا می خواند.

نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران!

ما بر این باوریم که کارزار مشترک همه نیروها و سازمان ها و احزاب مترقی و آزادیخواه کشورمان در امر تحریم فعال و هدفمند انتخابات پیش رو، می تواند گامی بزرگ و اساسی در راه مبارزه سازمان یافته مردم زحمتکش میهنمان برای پیشبرد مبارزه با دیکتاتوری حاکم بر کشورمان باشد. به همین دلیل پیشنهاد حزب توده ایران را که از همه نیروهای سیاسی مترقی و آزادی خواه دعوت

به هم فکری برای تحریم مشترک و فعال انتخابات کرده است، پیشنهادی به موقع و هشیارانه می دانیم. ما از همه نیروهای نامبرده شده دعوت می کنیم که به این پیشنهاد پاسخ مثبت دهند.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان به نوبه خود، دعوت حزب توده ایران را در شرایط حساس و بحرانی کنونی کشورمان پذیرفته و آمادگی خود را برای کارزار مشترک همراه با حزب توده ایران اعلام می کند.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۱۰ خرداد ۱۴۰۰ ۳۱ ماه مه ۲۰۲۱

حکومت فاسد جمهوری اسلامی به دفعات نشان داده که برای مردم، زحمتکشان و خلق های ایران هیچ گونه حق تعیین سرنوشتی قائل نیست. منظور رهبر و کارگزاران رژیم از نمایش انتخابات فقط حضور مردم در پای صندوق های رای گیری و استفاده تبلیغاتی از آن به منظور نمایش مشروعیت خود است، نه سهیم کردن مردم در اداره امور میهن خودشان.

سران رژیم در شرایطی خود را مهیبای نمایش مهندسی شده انتخابات می کنند که گسترش فقر و بیکاری، گرانی اقسار گسیخته ارزاق عمومی و هزینه زندگی و تورم دو رقمی در کنار افزایش فاجعه آمیز مبتلایان به ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن از یکسو و تحریم های اقتصادی ظالمانه حکومت آمریکا از سوی دیگر، شرایط بحرانی همه جانبه و کم سابقه ای را در میهن ما ایجاد کرده است.

قرائن و شواهد نشان می دهد که هم اکنون حاکمیت جمهوری اسلامی از طریق مهندسی این انتخابات نمایشی در صدد اداره حوادث آینده در سه محور است: مواجهه با رشد اعتراض های مردمی و ممانعت از گسترش سازمان یافته اعتراض های کارگران و زحمتکشان و خلق های میهنمان؛ مذاکرات پشت پرده با آمریکا تحت پوشش احیای برجام برای بهره بردن از امتیازات آن؛ سازمان دهی مخفیانه و آرام برای مهیا کردن شرایط انتقال مقام رهبری و ولایت فقیه در لحظه لازم تحت نظارت خامنه ای.

همه این ها با هدف تامین و هماهنگی منافع سرمایه داری بزرگ انگلی و مافیائی تجاری، مالی و نظامی حاکم بر جامعه ایران انجام می شود که علیرغم رقابت های جناحی در میان آنها، همگی بر محور حاکمیت مطلق ولی فقیه استوار هستند.

هم میهنان گرامی!

اکنون تمامی شواهد نشان می دهد که یک جنایتکار برای مقام ریاست جمهوری تعیین شده است. علیرغم این، همچون دوره های اخیر، اینک هر کدام از هفت نفری که توسط شورای نگهبان ولی فقیه برای گرم کردن نمایش انتخابات معین گردیده اند، به اصطلاح مبارزه انتخاباتی خود را آغاز کرده اند. آنها تلاش خواهند کرد تا با وعده های دروغین و بی پشتوانه و حتی حملات لفظی به یکدیگر و مسئولین سابق، اقشاری از مردم را به رای دادن تشویق کنند و لباس مشروعیت و مقبولیت بر نظام دیکتاتوری ولایت مطلقه فقیه بپوشانند.

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی...

کلیه رسانه‌ها مؤکداً می‌خواهد با توجه به محرمانه بودن بررسی صلاحیت‌ها در این شورا و با عنایت به اینکه در بررسی‌ها مجموعه‌ای از موضوعات، مستندات و مدارک مورد ارزیابی قرار گرفته و برخی گزارش‌های نادرست در نظریه نهایی شورای نگهبان مؤثر نبوده است، از گمانه‌زنی و استناد به امور غیرواقعی و نادرست اجتناب نمایند.

حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی بارها نشان داده که مخالف سرسخت و آشتی‌ناپذیر اعمال اراده مردم، زحمتکشان، و خلق‌های ایران بر سرنوشتشان است. منظور رهبر و کارگزاران حکومت از نمایش انتخابات، فقط حضور مردم در پای صندوق‌های رأی‌گیری و استفاده تبلیغاتی از آن به منظور نمایش مشروعیت و مقبولیت خود است، نه سهم کردن مردم در اداره امور میهن خودشان. هم‌میهنان گرامی!

میهن ما دوران دشوار و تاریکی را پشت سر می‌گذارد. ورشکستگی کامل اقتصادی به دلیل اجرای سیاست‌های کلان تدوین و اعمال شده توسط دفتر علی خامنه‌ای در راستای تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داران کشور و نیز تحریم‌های اقتصادی و به‌ویژه تحریم‌های ضد انسانی دولت آمریکا؛ زندگی ده‌ها میلیون ایرانی در زیر خط فقر؛ بیکاری فزاینده به‌ویژه در میان نسل جوان کشور؛ تورم افسارگسیخته؛ بحران سراسری سلامت بر اثر همه‌گیری ویروس کرونا که به مرگ ده‌ها هزار ایرانی و وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی منجر شده است؛ همگی در مجموع شرایطی بسیار دشوار را در سراسر کشور و از جمله در استان‌های محل زندگی خلق‌های کشور، در آذربایجان، کردستان، بلوچستان، خوزستان، و گلستان (ترکمن‌صحرا)، پدید آورده است.

سران حکومت اسلامی به‌خوبی واقف‌اند که جامعه ما به دلیل افزایش و انباشت فشارهای اقتصادی، نارضایتی، و نفرت بی‌سابقه مردم از نهادهای گوناگون حکومتی، در آستانه تحوّل‌های مهم و بالقوه سرنوشت‌سازی قرار دارد.

به جلوداری چهره‌ای منفور و جانی همچون ابراهیم رئیسی، که زنده‌یاد آیت‌الله منتظری او و دیگر سازمان‌دهندگان کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را "جنایتکاران تاریخ" خواند، به روزهای پایانی خود می‌رسد. "رد صلاحیت" فله‌ای نامزدها توسط شورای نگهبان حکومت اسلامی، از جمله شماری از "خدمتگزاران خادم" این حکومت مانند علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره‌های هشتم و نهم و دهم، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور برگمارده خامنه‌ای و سپاه در پی کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸، که علی خامنه‌ای دولت او را "یکی از محبوب‌ترین دولت‌ها بعد از مشروطه تا امروز" اعلام کرده بود، و اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی رئیس‌جمهور کنونی، در واقع تأیید این واقعیت است که پایگاه قدرت اجتماعی-سیاسی رژیم ولایت فقیه بیش از پیش تنگ می‌شود و فقط طیف‌های محدودی در دایره نزدیک به رهبری رژیم و سپاه برندگان اصلی روندی هستند که برنامه‌اش نشان‌دهنده یکی از مجرمان اصلی در فاجعه ملی تابستان ۱۳۶۷، بر کرسی ریاست‌جمهوری کشور و پیش بردن سیاست‌های کلان حکومت است.

مانورهای روزهای اخیر علی خامنه‌ای، نخست در دفاع از رد صلاحیت‌های گسترده توسط شورای نگهبان و تأکید بر ضرورت روی کار آمدن "مدیر قوی" برای اداره مملکت، و سپس در روز ۱۴ خرداد، در جریان سخنرانی به مناسبت سالگرد "قیام پانزده خرداد ۴۲" و دلجویی از برخی از کسانی که تأیید صلاحیت نشده‌اند و در جریان بررسی به آنها "جفا و ظلم" شد، بیش از پیش حاکی از نگرانی سران حکومت اسلامی از تحریم گسترده نمایش انتخاباتی ۱۴۰۰ و پیامدهای آن برای مجموعه حکومت است. شورای نگهبان نیز در پاسخ به دلجویی "رهبر"، و ضمن "تقدیر و تشکر از رهنمودهای حکیمانه" او، اعلام کرد: "ضمن تأکید بر حفظ حرمت اشخاص و محکوم نمودن هتک حرمت و حیثیت داوطلبان و خانواده‌های ایشان، از

نماینده‌گی مجلس قبلاً رد کرده بود، حالا برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید صلاحیت می‌شوند، سخن‌گفتن از "قانون" و "آزادی انتخاب مردم" فریبی بیش نیست که خوشبختانه اکثریت عظیم شهروندان ما امروز این ترفند را به‌خوبی دریافته‌اند. درست به همین دلیل است که دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی این روزها تلاش می‌کنند با تهدید و تطمیع هم شده، مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند.

حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در کنار بخش وسیعی از نیروهای آزادی‌خواه، ملی و مترقی کشور، شامل بخش وسیعی از نیروهای خواهان تغییرهای بنیادی در صفوف جنبش اصلاحات، و همچنین طیف گسترده نیروهای اجتماعی از کارگران و دهقانان، تا بازنشستگان و معلمان و پرستاران دیگر زحمتکشان، زنان، جوانان، و دانشجویان، با تحریم کردن فعال و گسترده این نمایش انتخاباتی، پاسخی قاطع و روشن به رهبری حکومت اسلامی می‌دهند. ما امیدواریم که این حرکت مشترک ترقی‌خواهان کشور گام نخست و نویدبخشی در راه برپایی هرچه گسترده‌تر جنبش اعتراضی-مدنی سازمان‌یافته زحمتکشان و اکثریت مردم ایران بر ضد رژیم ولایت فقیه باشد.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - کمیته

مرکزی حزب توده ایران ۱۵ خرداد ۱۴۰۰

به اعتراف سران حکومت، اگر جامعه با معضل ویروس کرونا و پیامدهای آن روبرو نبود، میزان اعتراض‌ها و تظاهرات مردمی چندبرابر میزان کنونی می‌بود. اظهارنظرهای سران حکومت و از جمله شماری از فرماندهان سپاه، حاکی از این است که رهبری جمهوری اسلامی نگران از روند رشد اعتراض نیروهای اجتماعی، در صدد روی کار آوردن "مدبری قوی" در قوه اجرایی است که سابقه طولانی در کشتار مردم و دگراندیشان داشته باشد تا بتواند همگام با دیگر نهادهای حکومتی، با رشد اعتراض‌های مردمی مقابله کند و مانع گسترش سازمان‌یافته اعتراض‌های کارگران و زحمتکشان و خلق‌های میهنمان شود.

هم‌میهنان گرامی!

روند برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ بار دیگر به‌روشنی بر این امر مهم صحه می‌گذارد که رژیم ولایت‌فقیه و رهبری آن اصلاح‌ناپذیر است و نمی‌توان بدون مبارزه گسترده و منسجم سراسری، تغییری بنیادی در اوضاع نابسامان و اسفناک کنونی کشور پدید آورد. در نظام سیاسی‌ای که حتی رؤسای چند دوره مجلس، رئیس‌جمهور برگمارده رهبر، و معاون رئیس‌جمهور کنونی‌اش را شورای نگهبان ارتجاعی‌اش رد صلاحیت می‌کند و کسانی که همین شورا صلاحیتشان را برای

به مناسبت ۷۴-مین سالگرد...

می‌گردد. او در سال ۱۳۲۰، در دوران دانشجویی به صفوف حزب توده ایران می‌پیوندد. در اعتراضات و حرکات دانشجویی به طور فعال شرکت می‌کند. پیگیرانه به نوشتن مقالات سیاسی و روشنگرانه در نشریات حزب و اتحادیه‌های کارگری و سایر مطبوعات مترقی نظیر نشریات رهبر، مردم، ظفر، خاور نو، آذربایجان و آژیر می‌

نماینده مجلس ملی آذربایجان و دادستان کل آذربایجان در دوران حکومت خودمختار و ملی آذربایجان است که راه پدرش رفیق غنی ابراهیمی، از فعالان نامدار حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران، را ادامه می‌دهد. فعالیت و مبارزه سیاسی فریدون ابراهیمی به شکل رسمی در دوران تحصیل در دانشکده حقوق دانشگاه تهران آغاز

۶ ماه شکنجه و حبس، در دادگاه رژیم منفور پهلوی نیز شجاعانه از راه مبارزه خود و خلق آذربایجان دفاع کرد و از آینده روشن راه مبارزه خود و خلقها چنین سخن گفت: «...آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دستهایشان از شدت کار پینه بسته است. روزی خواهد رسید که تمامی کسانی که خلقهای ایران را از حقوق خود محروم نموده، فرهنگ و افتخارات ملی را لگدمال کرده اند و انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده اند، مجبور به جوابگوئی در مورد جنایتها و خیانتهای خود در مقابل خلق خواهند شد...».

فریدون رفت و همچون ستاره ای درخشان در میان دیگر ستارگان قهرمانان ایران بر فراز راه مبارزه خلقهای ایران پرتو افشانی می کند. همان راهی که برادر کوچکترش رفیق انوشیروان نیز رفت و برای آیندگان نوشت: « رفقا، ما رفتیم، شماره ما را ادامه دهید! »

یادشان جاوید و راهشان پر رهرو باد!

درخشان، همچون دوران آمادگی است برای شرکت او در یکی از بزرگترین رویدادهای انقلابی ایران. یعنی شرکت در مبارزه برای کسب حقوق ملی خلق آذربایجان و ایجاد چنان جامعه مترقی که نمونه ای باشد برای رهائی سایر خلقهای ایران از ظلم و ستم فئودالهای مرتجع و رژیم فاسد پهلوی.

رفیق فریدون ابراهیمی تا پایان عمر کوتاه و پر بار خود به راه مبارزه برای کسب حقوق به حق کارگران و دهقانان و زحمتکشان خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران ادامه داد. به هنگام یورش تفنگداران فئودال های زالو صفت آذربایجانی و ارتش شاهنشاهی تحت هدایت ژنرالهای آمریکائی به تبریز، فریدون ابراهیمی با تنی چند از فدائیان فرقه دمکرات آذربایجان، پس از مقاومت مسلحانه دستگیر و در معرض شکنجه قرار گرفتند. او پس از گذراندن حدود

وضعیت کارگران وزحمتکشان کشورمان در سالی که گذشت!



کشته و مصدوم شدن دستکم ۹۳۶۷ کارگر در این مدت در پی حوادث کار توسط رسانه‌ها یا سازمان‌های فعال در این حوزه مخابره شده است.

حداقل ۷۵۷۷ کارگر در طی یکسال اخیر در طی حوادث کار مجروح شدند. طی ۱۲ گزارش یا اظهار نظر رسمی در

یکی از مولفه های ارزیابی کشورها به لحاظ پیشرفت، ترقی، آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی، سطح زندگی زحمتکشان بویژه طبقه کارگر آن کشور است. در اینجا با نگاهی آماری به وضعیت کارگران کشورمان در سال گذشته، نشان خواهیم داد که وضعیت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشورمان با چه معضلات پر شمار، به خصوص در بحث حقوق و دستمزد، مشکلات صنفی، معوقات مزدی، امنیت محیط کار، بیکاری و همچنین حق تشکیل سندیکا و اتحادیه های کارگری روبرو است.

بنا بر گزارش مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، طی بررسی گزارش‌های کارگری منتشر شده در ۱۲ ماه اخیر (۱۱ اردیبهشت ۹۹ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰)،

درباره معوقات مزدی، حجم زیادی از گزارشات بدون اشاره به تعداد کارگران طلبکار بوده که خود این موضوع از عوامل مهم در عدم امکان ارائه آمار دقیق کارگران مطالبه گر معوقات است.

در حالی که برآوردها از سطح بالایی از اعتراضات در جامعه کارگری حکایت می‌کند با این حال در یک سال گذشته، در مجموع گزارش خبری از صرفاً تعداد ۵۹۳ تجمع کارگری و ۷۳۸ تجمع صنفی به دست رسانه‌ها یا نهادهای مدنی رسید.

از مهمترین رویدادهای کارگری در ایران در بازه زمانی یک سال گذشته، می‌توان به اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، شهرداری کوی عبدالله، هپکو اراک، خط و ابنیه فنی راه آهن و اعتراضات صنفی معلمان و بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی اشاره کرد.

طی ۱۲ ماه گذشته شهرهای گوناگون ایران شاهد اشکال گوناگون حرکت های اعتراضی از سوی کارگران ایران بوده است. طیف وسیعی از کارگران به دلیل عدم دریافت حقوق ماهیانه و عدم توجه به مطالبات بیمه ای شان به خیابان‌ها رفته و برخی از این کارگران به علت عدم پرداخت گاه تا ۳۰ ماه از حقوق شان دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. از این قرار ۱۱۴ اعتصاب کارگری و ۳ اعتصاب صنفی به وقوع پیوسته است.

سطح مطالبه گری منسجم بخش های مختلف طبقه کارگر در یک سال گذشته کم سابقه بوده است. سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری، زندانی کردن و صدور احکام حبس برای چندین فعال کارگری و همچنین ممانعت از حق اعتراض از جمله دلایل پراکندگی و نابسامانی برخی تجمعات و اعتراضات کارگری بود.

تشکل کارگری در ایران به معنای متعارف جهانی آن وجود ندارد و تشکل های مستقل همانند سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان و اتحادیه آزاد

سطح کشوری و استانی مسئولین از زخمی شدن ۷۰۷۳ تن خبر دادند، علاوه بر این موارد، ۵۰۴ گزارش دیگر نیز توسط نهادهای مدنی یا کارگری گردآوری و اطلاع رسانی شده است.

دستکم ۱۷۹۰ تن از کارگران نیز در همین مدت در طی حوادث کار جان خود را از دست دادند. مسئولین و نهادهای مربوطه طی ۹ گزارش رسمی از جان باختن ۱۵۴۵ کارگر خبر دادند، نهادهای مستقل نیز تعداد ۲۴۵ مورد جان باختن کارگران که در اظهار نظر مسئولین مورد اشاره قرار نگرفته بود را جمع آوری و بروزرسانی کردند.

علیرغم قابل توجه بودن آمارهای فوق باید اشاره کرد به دلیل عدم شفافیت نهادهای متولی و مسئولین در امر اطلاع رسانی عمده موارد مرتبط با حوادث کار به رسانه‌ها راه پیدا نمی‌کند.

برای درک بهتر این موضوع توجه کنید که “سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که ۱۵ هزار و ۹۹۷ نفر در ۱۰ سال گذشته (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶)، در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که ۱۵ هزار و ۷۶۷ نفر از این افراد مرد و ۲۳۰ نفر زن بودند.” بدین معنی که به طور متوسط در ده سال گذشته سالانه ۱۶۰۰ نفر بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس این آمار در حوادث کار عمده علت مرگ افراد سقوط از بلندی است. در ده سال گذشته ۴۱٫۵ درصد از کل تلفات حوادث کار ده ساله را کسانی که بر اثر سقوط از بلندی جان خود را از دست داده‌اند؛ در بر می‌گیرد.

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه صد و دوم را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

همچنین بر اساس آمارهای گردآوری شده توسط مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دست کم ۳۴ هزار و سیصد و هجده کارگر بیش از دوهزار و سیزده ماه معوقات مزدی دارند.

هر چند باید در نظر گرفت در میان گزارشات منتشر شده

دو میلیون و ۶۵۰ هزار تومانی که به عنوان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰ تصویب شد، فاصله زیادی دارد. همچنین اعضای شورای عالی کار، مبلغ بن خواربار کارگران را به ۴۵۰ هزار تومان و کمک هزینه مسکن کارگران به ۶۰۰ هزار تومان افزایش دادند. لازم به ذکر است که حق مسکن برای اجرایی شدن باید به تصویب هیات وزیران برسد تا در فیش حقوقی سال آینده کارگران لحاظ شود.

این ارقام در حالی به تصویب رسیده است که پیشتر رئیس فراکسیون کارگری مجلس یازدهم اعلام کرد که حتی اگر حداقل دستمزد کارگران صددرصد هم افزایش پیدا کند، قدرت خرید آنها به شرایط پیشین بر نمی‌گردد.

بعلاوه افزایش حقوق کارگران به مبلغ ناچیز دو میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در حالی به تصویب رسیده است که چندی پیش رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران با اشاره به اعلام رقم ۱۰ میلیون تومانی خط فقر توسط بانک مرکزی گفت: سال گذشته خط فقر ۶ میلیون تومان بود که امسال ۴ میلیون تومان افزایش یافته است.

از سوی دیگر پیشتر فرامرز توفیقی نماینده کارگران در کمیته تعیین دستمزد گفته بود: عدد سبد معیشت مورد قبول کارگران، ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان است. این درحالی است که در توافق نهایی حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۰ تنها ۲ میلیون ۶۵۶ هزار تومان تعیین شده و این با عدد مورد نظر نماینده کارگران حدود سه میلیون تومان فاصله دارد.

علاوه بر این علی عسگریان معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد اعلام کرد: بر اساس پایش مرکز رصد ماهانه که در ۱۸۰۰ نقطه نمونه برداری و خط فقر غذایی را تعریف می‌کند، اکنون خط فقر غذایی به ازای هر نفر ۶۷۰ هزار تومان است و اگر خانواده سه نفره را با حداقل دستمزد در نظر بگیرید، بسیاری از خانواده‌های کارگری زیر خط فقر یا در مرز خط فقر غذایی قرار می‌گیرند.

کارگران در مظان اتهامات امنیتی و سیاسی قرار دارند. کارگران بسیاری با طرح اتهاماتی همچون برگزاری تجمع مسالمت آمیز در روز جهانی کارگر، اعتراض به دستمزدهای پایین، امضای بیانیه در حمایت از اتحادیه‌های کارگری، انتشار عکس تظاهرات کارگری در اینترنت یا دریافت دعوت نامه برای شرکت در نشست‌های جهانی اتحادیه‌های کارگری احضار، بازداشت و یا محکوم شده‌اند.

طی ۱۲ ماه گذشته دست کم ۳۷ کارگر و فعال کارگری بازداشت شده‌اند. از جمله مهمترین این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت ۴ تن از فعالان کارگری هفت تپه، ۵ تن از کارگران شهرداری کوه عبدالله، ۶ نفر از شرکت‌کنندگان در تجمع حمایت از کارگران هفت تپه و ده‌ها پرستار و معلم اشاره کرد.

به علاوه می‌توان به محکومیت ۴۶ فعال کارگری و کارگر به ۶۳۶ ماه حبس و ۳۱۰۸ ضربه شلاق، احضار ۵۱ نفر به مراجع قضایی و امنیتی، ۱۳۳۱ مورد اخراج و تعدیل، ۴۲۲۴ مورد بیکاری، ۲۸۴۹۳ مورد نبود بیمه کار برای کارگران و ۴۲۲۴ مورد بلاتکلیف در حوزه کار می‌توان اشاره کرد.

همچنین در رشته اتحادیه‌ها و اصناف، جمعا ۴۷ بازداشت فعالان صنفی، ۳۰ ماه حبس برای ۲ تن از فعالان صنفی، ۵۰ مورد احضار به مراجع قضایی-امنیتی و ۱۳۲ مورد پلمپ اماکن گزارش شده است.

لازم به ذکر است، شورای عالی کار روز یکشنبه ۲۴ اسفندماه ۹۹، با افزایش ۳۹ درصدی حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰ کارگران، حقوق این قشر از جامعه را از یک میلیون و ۹۱۲ هزار تومان به دو میلیون و ۶۵۰ هزار تومان تغییر داد.

هر چند دولت ایران حاضر به اعلام رسمی خط فقر نشده است با این حال کنشگران حوزه اقتصاد کشور معتقدند حداقل دستمزد تعیین شده زیر خط فقر است، این رقم با مبلغ

با وجود اینکه کارگران زن ایرانی ارزانترین نیروی کار کشور توصیف می شوند وضعیت اشتغال زنان بدتر از مردان است و در عین حال از حمایت‌های قانونی، حقوق و مزایای کمتری برخوردار هستند.

این در حالی است که کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کمتری برخوردارند. در عین حال واحدهای تولیدی و صنعتی کمتر به استخدام زنان متاهل رغبت دارند و در برخی موارد زنان مجرد را با تعهد عدم ازدواج و بارداری به کار می‌گیرند.

وضعیت زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک به مراتب بدتر است. نیمی از کارگران در کوره پزخانه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند که در شرایط طاقت فرسا کار می‌کنند.

در ایران کماکان خصوصی سازی کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی بدون در نظر گرفتن منافع بلند مدت کارگران ادامه دارد.

آنها اندیشید که زیاد دور نخواهد بود...

وی با بیان اینکه حدود ۲۰ میلیون نفر در کشور نیاز به خدمات نسبی دارند؛ اظهار داشت: اکنون ۶،۵ میلیون نفر تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند و حدود ۷ میلیون نفر دیگر هم هستند که شرایطی مشابهی دارند ولی تحت پوشش این نهاد نیستند. همچنین ۱۴ میلیون نفر دیگر نیز در کشور نیازمند هستند که به آنها هیچ گونه کمکی صورت نمی‌گیرد.

تعیین حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار بنا به آنچه که بسیاری از صاحبانظران و فعالین کارگری بیان می‌کنند، بسیار پایین‌تر از نرخ تورم واقعی موجود در کشور و نیز پایین‌تر از ارزش سبد مصرفی خانوار است. این موضوع دلیلی دیگر بر ضعیف بودن صدای کارگران و تداوم اعتراضات جامعه کارگری کشور است.

ممنوعیت کار کودکان و فراهم آوردن امکان تحصیل رایگان برای آنان، برقراری بالاترین سطح استانداردهای ایمنی در محیط‌های کارگری، رفع قوانین تبعیض آمیز برای زنان و کارگران مهاجر از دیگر مطالبات جامعه کارگران است.

خودکشی در ایران ریشه در معضله‌های اقتصادی و اجتماعی کشور دارد



مدت ۲۴ ساعت حکایت می‌کرد. این آمار تکان‌دهنده نشانگر یکی از ناهنجاری‌های رو به رشد و همه جانبه در جامعه و نیز بالا رفتن آمار خودکشی‌ها در کشور است. خودکشی، نتیجه دردناک فقر و تهیدستی مردم و فشارهای اجتماعی بر روح و روان انتهارکنندگان است. اکنون پدیده خودکشی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم "ولایت فقیه" ارتباط مستقیم دارد

۱۴ ماه است که ویروس کرونا در کشور بلازده ما می‌تازد. درکنار این همه گیری هلاکت‌بار، فشارهای اقتصادی برآمده از بیکاری، تورم، گرانی روزافزون، بی‌خانمانی و نگرانی از آینده، طومار زندگی مردم میهن ما را درنور دیده است. میلیون‌ها انسان در گرداب فلاکت و گرسنگی گرفتار شده اند و توان رهایی از آن را ندارند. مسئولین و کارگزاران فاسد رژیم جمهوری اسلامی نیز به وظایفشان در قبال مردم عمل نمی‌کنند. اینان به همراه کلان سرمایه داری مافیائی، تجاری و نظامی فقط در حال غارت ثروت کشورمان هستند. اکثریت مردم از کمک‌هایی که دولت مکلف به انجام آن‌هاست محروم هستند.

اخیرا خبری در شبکه‌های اجتماعی دست به‌دست می‌شد که از ۸۴ مورد اقدام به خودکشی فقط در تهران و تنها در

کودک همسری است، در شهرستان تایباد واقع در استان خراسان رضوی، با خوردن قرص برنج دست به خودکشی زده و جان باخت، او به تازگی ازدواج کرده بود. سهم نوجوانان از خودکشی‌های سالانه از سوی سازمان پزشکی قانونی هم بیش از ۷ درصد اعلام شده است.

سن ازدواج در جمهوری اسلامی بر مبنای قوانین اسلام تعیین شده است، نه «بلوغ جنسی» و جسمانی و آمادگی روحی و روانی. این در حالی است که به گفته کارشناسان، بلوغ جنسی تنها بخشی از ابعاد بلوغ کامل انسان است. رشد، آگاهی، آموزش و آزادی در انتخاب، اساسی‌ترین و انسانی‌ترین شرط‌ها برای ازدواج و تشکیل خانواده است.

مهدی حسین زاده فرمی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در گفتگو با روزنامه ابتکار، می‌گوید «متأسفانه شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران سال به سال و روز به روز بدتر و بدتر می‌شود. هم بین خود مردم میزان اعتماد کاهش یافته و هم اعتماد بین مردم و نهادها و مسئولان کمتر شده است». عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم با اشاره به تأثیر کرونا در افزایش شمار خودکشی‌ها می‌گوید «یک تحقیق روانشناسی در حوزه روانشناسی کودک انجام شده و در آن کودکان با وجود تأمین شدن نیازهای اولیه جسمی، به دلیل برقرار نشدن نیازهای ارتباطی و جمعی، دچار آسیب و در مواردی مرگ شدند. بنابراین وقتی تعامل و برقراری ارتباط حتی با یک کودک نیز اتفاق نیفتد، منجر به آسیب‌های جدی روحی به او خواهد شد. ... من استنباط می‌کنم که تعامل و ارتباط، یک شاخص مهم برای زندگی اجتماعی است»

به درازای عمر حکومت اسلامی، شادی و شادابی از میهن ما رخت بر بسته است. تعالیم «اسلام سیاسی شده» که توسط حکومت ظالم جمهوری اسلامی به ایدئولوژی حاکم بر کشورمان تبدیل شده است، به طور خلاصه عبارت است از گستراندن فرهنگ شیون و زاری، ماتم و عزا در فضای جامعه که روح و روان مردم و به ویژه جوانان را به بازی گرفته است. برای ترویج این «ضد فرهنگ»، هزینه‌های

و تنها به شهر تهران هم منحصر نمی‌شود، بلکه کل کشور را فراگرفته است.

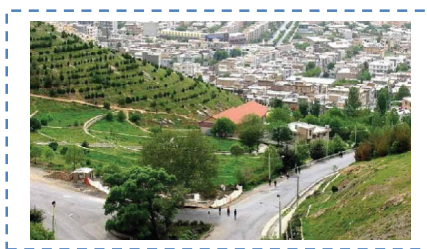
به گزارش همشهری‌آنلاین، به نقل از خبرگزاری مهر، تقی رستم وندی، معاون وزیر کشور، در پاسخ به سؤالی درباره افزایش آمار خودکشی در یک سال گذشته، گفت «در چند سال گذشته با روند صعودی در خودکشی مواجه بودیم و سالانه ۴ الی ۵ درصد به آمار خودکشی افزوده می‌شود و امسال هم به همین میزان شاهد افزایش خودکشی‌ها بوده‌ایم. اما نکته جالب توجه این است که تغییر معناداری در بازه سنی افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند مشاهده می‌شود». به گفته رستم وندی، در یک سال اخیر خودکشی در سنین زیر ۱۸ و بالای ۶۰ سال افزایش داشته است. سهم نوجوانان کشور از خودکشی‌های سالانه از سوی سازمان پزشکی قانونی بیش از ۷ درصد اعلام شده است.

آسیب‌های جسمی و روانی دختران جوان کشور ناشی از کودک همسری، بازماندن از آموزش، افسردگی، طلاق، و به‌ویژه بارداری‌های زیر ۱۸ سال آنان است. این وضعیت بر زندگی این دختران زخم‌های روانی جبران‌ناپذیری برجای می‌گذارد. بر اساس آمار منتشر شده، بالغ بر ۹۵۰۰۰ مورد طلاق زنان زیر ۱۹ سال در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ ثبت شده که حدود ۵۷۶۰ مورد از این طلاق‌ها به ازدواج‌هایی مربوط می‌شود که سن به اصطلاح زن و شوهر، در واقع کودکان، کمتر از ۱۵ سال بوده است. ازدواج کودکان یا کودک همسری در ایران در سال‌های اخیر رو به افزایش داشته است. فعالان حقوق کودک می‌گویند این پدیده در آینده بر سلامت خانواده‌های ایرانی تأثیر بسیار منفی خواهد گذاشت. مسئولان حکومتی هیچ اعتنایی به این آمارها و علت افزایش تعداد خودکشی‌ها ندارند. درحالی که خبرهایی هولناک از خودکشی نوجوانان در سرآغاز شکوفایی زندگی شان از رسانه‌ها می‌شنویم. به گزارش ایسنا، ۵ فروردین‌ماه ۱۴۰۰، جواد آفریدون، مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان تایباد، اظهار داشت «دختر نوجوان ۱۵ ساله که قربانی

از سوی نهادهای مسئول حکومتی مشخص نمی‌شوند، هر روز اضافه می‌شود. به گزارش سایت کلمه، ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، ایران در پاییز ۱۳۹۸، قبل از ورود کرونا، شاهد رشد غیرعادی مرگ و میر بوده است. میزان متوسط مرگ و میر اضافی در کل کشور در پاییز ۱۳۹۸، تعداد ۷۶۸۵ نفر تخمین زده شده است. طبق آمار وزارت بهداشت، در سال ۱۳۹۷، حدود ۱۰۰ هزار نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند. به عبارت دیگر، از میان هر صد هزار ایرانی ۱۲۵ نفر خواسته‌اند به زندگی خود پایان دهند. در این شکی نیست که ادامه این روند و بالا رفتن آمار خودکشی می‌تواند خطرهای جبران‌ناپذیر برای کشور در بر داشته باشد. بااینهمه، جمهوری اسلامی و کارگزاران ریز و درشت حکومت ولایت فقیه همچنان به دروغ پردازی‌های مرسوم خود ادامه می‌دهند و هر ندایی برای بهبودی اوضاع را در گلو خفه می‌کنند.

مادی و معنوی بسیاری از بیت‌المال پرداخت می‌شود. این هزینه‌ها به فرسایش جسم و جان مردم بلا دیده میهن‌مان، به ویژه در میان دختران و پسران جوان منجر می‌گردد. هزینه‌های هنگفتی که از جیب مردم و بودجه دولت به بنیادهای انگلی به اصطلاح فرهنگی-دینی پرداخت می‌شوند، در عمل برای ترویج خرافات و تبلیغ انحراف‌های اخلاقی و جنسی مصرف می‌گردد. آمار خودکشی در چند ماه گذشته در خبرهای حوادث ایران جایگاهی تأمل برانگیز پیدا کرده است. آژیر خطر این آسیب از مدت‌ها پیش به صدا درآمده بود. دردناک آن است که به رغم این پدیده‌های ناگوار، کارگزاران رژیم با اشتهائی سیری‌ناپذیر، فقط در پی انباشتن هرچه بیشتر ثروتشان هستند، آنان در مسابقه غارت و چپاول اموال عمومی، حتی از عمال رژیم ستم‌شاهی نیز سبقت گرفته‌اند. در کشور ما بر تعداد مرگ و میرهایی که علت آن‌ها هرگز

نگاهی مختصر به وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کردستان ایران



اوضاع اقتصادی

وضعیت اقتصادی کردستان، همانند سایر مناطق دیگر ایران، سرشار از کمبودها و نارسائی‌های مختلف از قبیل بیکاری، رکود اقتصادی، گرانی کالاهای مصرفی و مسکن و عدم سرمایه‌گذاری ضروری، هم در بخش خصوص و هم در عرصه سرمایه‌گذاری‌های دولتی است. در عین حال هم در زمینه تاسیسات زیربنائی مورد نیاز برای خدمات اجتماعی مانند شبکه مدارس و آموزشگاه‌ها و هم در تاسیسات بهداشتی و درمانی کمبودهای زیادی وجود دارد. وضعیت موجود نشان‌دهنده این واقعیت است که هیچ تناسب معقولی میان رشد جمعیت و تامین احتیاجات خدماتی و ساختار کمی و کیفی بخش اقتصاد وجود ندارد. بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی در مناطق کردنشین وابسته به تولید محصولات دامی و کشاورزی می‌باشد. در این منطقه می‌توان محصولات را به وجود آورد که

به عنوان مواد اولیه تولیدات صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کار می‌تواند کمک بزرگی برای حل مشکل بی‌کاری باشد و در عین حال باعث ازدیاد حجم محصولات صادراتی منطقه و کشور گردد. ولی اجرای چنین پروژه‌های احتیاج به سرمایه‌گذاری لازم در این عرصه‌ها دارد. همچنین باید احداث و توسعه شبکه‌های معاصر حمل و نقل اعم از راه آهن و راه‌های شوسه در دستور کار دولت قرار گیرد. در عین حال، تخصیص وام‌های بانکی بدون بهره یا با بهره کم به تولیدکنندگان و حمایت‌های گمرکی و

که در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به وقوع پیوست. مبارزه مسلحانه میان نیروهای سیاسی خلق کرد و رژیم جمهوری اسلامی با شدت تمام تا پایان نیمه اول دهه ۱۳۶۰ ادامه یافت. ولی بعدها به تدریج از شدت آن کاسته شد.

بعد از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در امر سرنگونی رژیم ستم شاهی، به دلایل عینی و ذهنی، که از جمله مهمترین آنها تفرقه و کم تجربگی نیروهای دمکراتیک و مترقی سراسری و منطقه ای شرکت کننده در انقلاب و حتی احزاب و سازمانهای سیاسی حاضر در شورای انقلاب و دولت موقت بود، گروه ها و محافل راست گرا و ارتجاعی به رهبری خمینی توانستند سلطه بلا منازع خود را در حاکمیت برآمده از انقلاب تثبیت و تحکیم کنند. بدین ترتیب این حاکمیت ارتجاعی توانست طی مراحل، هم در زمینه حقوقی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم در زمینه سیاسی و اداری، برنامه های خود را به اجرا گذارد. در مدت زمان کوتاهی پس از انقلاب، نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران که از اولین های آنها نیروهای سیاسی مترقی کردستان بودند، یکی پس از دیگری با سرکوب بسیار شدید و خونین رژیم جمهوری اسلامی مواجه گردیدند و اکثریت قریب به اتفاق این نیروها از صحنه فعالیت های سیاسی علنی حذف شدند.

در حال حاضر، احزاب دمکرات کردستان ایران و احزاب کومه له اولویت استراتژیک خود را در فعالیت های سیاسی، متوجه فعالیتهای صنفی و دمکراتیک در میان توده های مردم نموده اند. اکنون شعار استراتژیک احزاب سیاسی کرد مبارزه برای تحقق یک ایران آزاد و دمکراتیک با سیستم فدارال می باشد. ولی حوادث به وقوع پیوسته بعد از پیروزی انقلاب، جو امنیتی بسیار شدیدی در محیط اجتماعی کردستان ایجاد کرده است که هنوز هم پس از چهل سال ادامه دارد. رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تمام روشهای نرم و سختی که در اختیار دارد، سعی می کند تمامی فعالیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در مناطق کرد نشین را تحت کنترل و نظارت شدید حفظ کند. اکنون

مالیاتی از موسسات تولیدی و جلوگیری از واردات کالاهای مشابه که امکان تولید آن در محل وجود دارد را می توان به عنوان دیگر اقدامات ضروری ذکر نمود. در زمینه توریسم و گردشگری و اماکن تاریخی و جاذبه های طبیعی و آب هوای سالم و دلپذیر نیز کردستان پتانسیل بسیار خوبی دارد. علاوه بر اینها، با توجه به اینکه کردستان با دو کشور ترکیه و عراق دارای مرز مشترک است، با ارزیابی های درست کارشناسی، می توان به تاسیس بازارهای مشترک تجاری دو جانبه اقدام نمود. این اقدامات تاثیر بسیار مثبتی در رونق اقتصادی این مناطق خواهد داشت. اما متأسفانه تاکنون تصمیم گیری و اجرای چنین برنامه هائی مورد دقت و در اولویت های دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی نبوده است. وضعیت سیاسی و اجتماعی

در زمینه اجتماعی و سیاسی، خلق کردستان ایران برای دست یابی به حقوق ملی و فرهنگی خود و هم چنین تامین دمکراسی برای سایر خلقهای ایران، در طول صد سال گذشته مبارزات و تلاشهای فراوانی انجام داده است. ساکنین کردستان نیز با امید و آرزوهای فراوان در جریان تدارک و پیروزی انقلاب بهمن، دوش به دوش سایر خلق ها و شهروندان ایرانی در مبارزات سراسری شرکت نمودند. بعد از پیروزی انقلاب نمایندگان سیاسی خلق کرد و هم چنین مردم کردستان با برگزاری تظاهرات و میتینگ های مستمر و مداوم و مسالمت آمیز و فعالیت های فرهنگی خواهان آن بودند که حل مسئله ملی در کردستان و به رسمیت شناختن خواست های به حق آنان و از جمله حق خودمختاری در چارچوب ایران در دستور کار قرار گرفته و از طریق مسالمت آمیز و مذاکرات دو جانبه امکان دست یابی به توافق ممکن گردد. ولی بدلیل عدم وجود ظرفیت های ایدئولوژیک و طبقاتی و سیاسی شخصیت ها و جریانهای تصمیم گیرنده در شورای انقلاب و بعدها در حاکمیت جمهوری اسلامی، انجام توافق ممکن نگردید. در نتیجه، جنگ و مبارزه مسلحانه به ساکنین کردستان تحمیل گردید. نقطه اوج این جنگ های تحمیلی، جنگ شهرها بود

عراقی و طرفداران سکولاریزم و فدرالیسم، و همچنین مبارزه با بنیادگرایان اسلامی ایفاء می‌کنند. تثبیت سیستم فدرالی ساختار حاکمیت عراق می‌تواند حلقه ای مهم از زنجیره مبارزات دمکراتیک مردم خاورمیانه باشد. مبارزات کردها در کردستان سوریه را تشکیلات چپ و سکولار رهبری می‌نماید و در شکل‌گیری آینده سیاسی کشور سوریه و تحولات خاور میانه نقش مهمی را ایفاء می‌کند. ولی اینکه در نهایت، تناسب قوا میان نیروهای دمکراتیک و ضد دمکراتیک سوریه چه سرانجامی خواهد داشت، باید منتظر آینده بود. احزاب و سازمانهای کردستان ایران نیز هم چنان بعنوان تشکل‌هایی که از حمایت‌های وسیع مردمی بر خوردار هستند، از طریق همکاری با احزاب و سازمانهای مترقی خلق‌های دیگر و نیز نیروهای سیاسی مترقی سراسری ایران، می‌توانند نقش مهمی در مبارزات مردم زحمتکش و زجر کشیده ایران برای کسب حقوق انسانی، ملی و مترقی داشته باشند.

نیز حاکمان بر ایران، در چارچوب اجرای این سیاست، فعالین سیاسی و مدنی کرد را از طریق اجرای احکام ظالمانه حبس و زندان‌های طولانی مدت و شکنجه و اعدام سرکوب و کنترل می‌کند.

وضعیت مناطق کردنشین در کشورهای همسایه ایران بعد از پایان جنگ سرد، به ویژه پس از حمله اول آمریکا به کشور عراق در سال ۱۹۹۱، جغرافیای کردستان بزرگ تقسیم شده میان چهار کشور همسایه در مرکز کشمکش‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها و خلق‌های منطقه قرار گرفت. در نتیجه، آرایش قوای سیاسی و نظامی دو گانه و چندگانه از نیروهای متعارض دولت‌ها و خلق‌ها در مقابل و در کنار یکدیگر شکل گرفت. نیروهای منسوب به خلق‌های کرد نیز هم در چارچوب کشور عراق و هم در ترکیه و همچنین در سوریه در ترکیب این آرایش قوا، نقش فعالی را در عرصه سیاسی و نظامی ایفاء می‌نمایند. کردهای عراق نقش مهمی در شکل‌گیری تناسب قوا میان نیروهای تمامیت‌خواه

محاسبات دو گانه مداخله گران «اول ماه مه» افغانستان



حمایت میکرد و خواهان پروسه مرحله به مرحله در توافق با متحدین آمریکا بود. گرایش به باز بینی توافقنامه پس از مراسم سوگند خوردن بایدن به شکل روشن آشکار شد. وزیر دفاع آمریکا «لیود اوستین» اعلام کرد که آمریکا «با عجله و سازمان نیافته از افغانستان خارج نخواهد شد». خود بایدن اعلام کرد که خروج نیروها در موعد تعیین شده امکان پذیر نیست. اما اداره جدید کاخ سفید نمی‌توانست مقبولیت ایده پایان جنگ را در میان طرفداران خود در نظر نگیرد، به همین دلیل شروع به طفره رفتن کرد.

واشنگتن آغاز خروج نیروها خود از افغانستان را «پایان طولانی ترین جنگ آمریکا» می‌نامد. البته زیر این جوش و خروش، بازی پیچیده، ماجرا جریانه و کاملاً توطئه گرانه ای پنهان است که انتهای آن پیش بینی نشده است. یا آوری می‌کنیم که در سال گذشته آمریکا توافقنامه ای با طالبان به امضاء رساند که ماده اصلی آن پایان حضور نظامی آمریکا در اول ماه مه ۲۰۲۱ بود. این گام به اقتضای وضعیت مشخص روز بود. دونالد ترامپ این گام را برای مبارزات انتخاباتی مورد استفاده قرار داد و تلاش برای پایان «جنگهای غیر لازم» را به نمایش گذاشت. به همین دلیل واشنگتن در هر لحظه می‌توانست عقب‌گرد کند. شرط‌های آبکی، همچون امتناع طالبان از همکاری با تروریست‌ها، امکان می‌داد در هر لحظه آنها را متهم به پیمان شکنی کنند. این حيله‌ها کمکی به ترامپ نکرد. وضعیت موجود ارثیه ای است که به بایدن رسید. بایدن در آغاز ترامپ را به «گامهای غیر مسئولانه» متهم می‌کرد و در حرف از خروج نیروهای آمریکا

آمریکا بر تهدیداتی که از افغانستان ناشی می‌شود، نظارت خواهد داشت و حضور فعال خود را در منطقه حفظ خواهد کرد. همزمان با این، شکل دادن افکار عمومی هم در جریان است. در گزارش شورای امنیت آمریکا، شانس دست یابی به توافقنامه صلح میان طالبان و دولت کابل بسیار ناچیز ارزیابی شده است. طرح های واشنگتن را انتشارات آمریکایی «هیل»، هرچند گاهی نیمه باز، رو کند. البته این بار اول نیست که برای درز خبر از آن استفاده می‌شود. این نشریه می‌نویسد که وظیفه اصلی بایدن این است که «مردم از جنگ خسته شده آمریکا را قانع کند که آمریکا هیچوقت افغانستان را ترک نخواهد کرد». مسئله این است که به چه شکلی این حضور ادامه خواهد داشت.

دیدگاه دیگر این نشریه نیز مهم است. طبق نوشته این نشریه، افغانستان در مرحله اول به لحاظ مقابله با چین مهم است. «موقعیت جغرافیایی کشور نقش مرکزی را در رقابت های ژئوپلیتیکی مابین آمریکا و چین بازی می‌کند. نویسنده همچنین به وجود منابع زیرزمینی فلزات نایاب در افغانستان اشاره کند که به مبلغ 3 تریلیون دلار بر آورد می‌گردد. آمریکا با استخراج آن می‌تواند وابستگی به چین را در رابطه با این محصول کاهش دهد. یکی دیگر از پروسه های نگران کننده در افغانستان پیدایش خطوط تازه تفرقه گرایی همچون تفرقه مذهبی از جمله در منطقه ناآرام افغانستان «ایالات بارداک» است که اکثریت ساکنین آن شیعه هستند. چند سال پیش آنها با توجه به ضعف دولت در برقراری امنیت، دسته های مسلحی به فرماندهی عبدالغنی علی پور به منظور مبارزه با اسلامیت ها تشکیل دادند. چندی بعد معروفیت فرمانده این دسته ها باعث نگرانی کابل شد. در سال ۲۰۱۸ او را بازداشت کردند و فقط پس از اعتراضات وسیع و دخالت سیاستمدارها او را آزاد کردند.

امتناع نیروهای علیپور از تابعیت دولت مرکزی و تصرف ساختمان های دولتی در چند منطقه موجب جنگ تمام عیار گردید که در جریان آن یک هلی کوپتر می ۱۷ سقوط کرد. مطبوعات طرفدار دولت پس از این حادثه، ایران را متهم به حمایت از علی پور نمودند. به دنبال آن مطبوعات غربی و «مراکز فکری» با نفوذ از جمله بنیاد جیمز تاینسک آمریکائی نیز به این تبلیغات ملحق شدند. طبق گفته های آنها، تهران نیروهای فاطمیون را از سوریه به افغانستان منتقل می‌کند. بدین ترتیب صلح در این منطقه بسیار در دور دست است.

گزیده ای از مقاله سرگنی کوژمیاکین روزنامه پروادا ۷ ماه مه ۲۰۲۱

از یک طرف طالبان متهم به نقض شرایط توافقنامه گردید، یعنی ادامه مناسبات با القاعده. در نتیجه، حملات نیروی هوایی آمریکا به مواضع جنگویان بخصوص در منطقه قندهار افزایش یافت. از طرف دیگر کاخ سفید تلاش کرد در نقش طرفدار صلح ظاهر شود و یک سری پیشنهادات ارائه داد. بسیار همه جانبه و به همان اندازه تقریباً غیر قابل اجرا. در میان این ابتکارات، طرح «آشتی ملی» تحت نظارت سازمان ملل و طرح حل و فصل مناقشات بود که از طرف وزیر خارجه آمریکا «آنتونی بلینکن» به دولت افغانستان ارائه گردید. دیپلومات آمریکایی به شکل اولتیماتوم که می‌بایست نصف پست های وزارت به طالبان تعلق می‌گرفت، خواهان تشکیل دولت گذار شده بود.

هر دو طرح در نطفه خفه شدند. کابل اصلاً از بررسی طرح بلینکن امتناع کرد. معاون رئیس جمهور افغانستان امرالله صالح گفت که افغانستان «صلح اجباری» را نخواهد پذیرفت، چون که تهدیدی برای قانون اساسی و آزادیهای دمکراتیک خلق افغانستان است. همچنین کنفرانس صلح که می‌بایست تحت نظارت سازمان ملل، ترکیه و قطر در استانبول برگزار گردد، برای مدت نامعلومی به تعویق افتاد. نمایندگان کابل به برنامه کنفرانس و ترکیب هیئت های نمایندگی اعتراض داشتند و طالبان نیز کاملاً از شرکت در آن امتناع نمود.

در نهایت آمریکا گزینه دیگری را انتخاب کرد. ۱۴ آوریل پرزیدنت بایدن پایان عملیات «حمایت قاطع» و خروج کامل نیروهای آمریکا را اعلام کرد. خروج نیروها از اول ماه مه آغاز و باید در ۱۱ سپتامبر، ۲۰ سالگی ترور در آمریکا، پایان یابد. دبیر ناتو «ستولنبرگ» سخنان مشابهی را بیان کرد. در نتیجه، در سپتامبر از نیروهای خارجی فقط محافظین نمایندگی های دیپلماتیک در افغانستان باقی خواهند ماند.

تیم بایدن که نمی‌خواهد «چهره» مدافع صلح و مخالف جنگ را از دست دهد، در عین حال نگران از دست دادن افغانستان است. به همین دلیل برای خروج نیروها مدت زیادی را در نظر گرفته اند. در این مدت ممکن است هر چیزی اتفاق بیافتد. مثلاً یک اقدام بزرگ تروریستی که بهانه ای برای امتناع آمریکا از خروج نیروهایش شود، یا تحریکات و دسیسه ها که آمریکائی ها تجارب زیادی در این زمینه ها دارند.

علائم اینکه آمریکائی ها زیاد هم مایل نیستند جنگ خاتمه یابد، هر چه بیشتر عیان می‌شود. خود بایدن می‌گوید که ایالات متحده

از دیپلماسی تا جنگ - یک قدم!



انتخاباتی بایند بود. اما اقدامات مشخص، بی درنگ آغاز نشد. فقط در آغاز آوریل هیئت های نمایندگی آمریکا و ایران وارد پایتخت اطریش شده و وارد مذاکرات غیر مستقیم گردیدند. ارتباطات ما بین آنها از طریق واسطه ها و اساساً از طریق کارمندان اتحادیه اروپا است.

در ضمن چهره های عراقی هم در وین ظاهر شدند. طبق اخبار روزنامه ها ۹ آوریل ملاقاتی ما بین نمایندگان ایران و عربستان سعودی با واسطه گری نخست وزیر عراق مصطفی کاظمی صورت گرفت. وزارت خارجه ایران این خبر را تأیید کرد و مدعی شد که از ریاض نشانه های مثبت دریافت شده است. تهران اعلام کرد که «ایران همیشه طرفدار مذاکرات بوده است و معتقد است که مذاکرات به نفع خلق های هر دو کشور است». مقامات پادشاهی عربستان موضوع این ملاقات را تکذیب کردند. اما این تاکتیک همیشگی آنهاست که دیدارهای غیر رسمی را مسکوت بگذارند. ریاض سال گذشته در رابطه با دیدار نخست وزیر اسرائیل نتانیاو نیز چنین موضعی را اتخاذ کرد.

طبق داده های نشریات، هیئت نمایندگی عربستان را مسئول دستگاه امنیتی کشور خالد ابن علی هومیدان رهبری می کرد و یکی از بحث ها اوضاع یمن بود. عربستان که در تجاوز خود با شکست مواجه شده، تلاش دارد که از طریق ایران شرایط صلح نسبتاً مناسبی برای خود فراهم سازد.

جدا از ترکیب شرکت کنندگان و مسائل مورد گفتگو، این حادثه انعکاس کمتری از مذاکرات اطریش نداشت. مناسبات

ماه آوریل حوادث زیادی مربوط به منطقه خاور نزدیک در بر داشت. علیرغم سختی های غم انگیز، این حوادث فقط محدود به اقدامات تروریستی، حملات هوایی و بیانات جنگ طلبانه نبود. بلکه ابتکارات دیپلماتیک را نیز در بر گرفت. شرکت کنندگان این ابتکار دیپلماتیک، دشمنان آشتی ناپزیری بودند که بارها در یک قدمی درگیری و جنگ تمام عیار همه جانبه قرار داشتند.

در وهله اول صحبت بر سر آغاز پروسه مذاکرات وین است. هدف اعلام شده این مذاکرات برقراری دو باره «برجام» است که بیشتر به عنوان «توافق هسته ای» معروف است. یاد آوری می کنیم که پس از سرکار آمدن دونالد ترامپ، ایالات متحده مسیر تجدید نظر و تغییرات در توافقنامه را در پیش گرفت و در سال ۲۰۱۸ بطور کامل از این توافقنامه خارج گردید. تحریم های آمریکا علیه ایران نه فقط مناسبات اقتصادی آمریکا و ایران را به صفر رساند، بلکه اقدامات و مقررات شدیدی نیز علیه شرکت هایی که با تهران تجارت می کردند در بر داشت. در نتیجه این سیاست که می توان آن را با تحریم کوبا و کره شمالی مقایسه کرد، حجم تجارت خارجی ایران تا ۱/۳ کاهش یافت. از ۱۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ تا ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹.

بریتانیا، آلمان و فرانسه به استقبال «برادر بزرگ» رفتند. به شکل رسمی در برجام ماندند، اما هیچ اقدام عملی برای حفظ آن انجام ندادند. این وضعیت تهران را مجبور ساخت که مرحله به مرحله از تعهدات خود امتناع ورزد. مثلاً از ۳،۶۷ تا ۲۰ درصد غنی سازی اورانیوم را افزایش داد و سانتریفیوژهای جدید را به کار انداخت. البته در این شرایط ایران مناسبات تنگاتنگ خود با آژانس بین المللی انرژی اتمی را ادامه می دهد (ماگاته) و تمامی تغییراتی که مد نظر دارد اعلام می کند.

باز گشت به «توافق هسته ای» یکی از وعده های

این تحلیل با اوضاع در مورد مسئله ایران منطبق است. امپریالیسم حساب کرد که حسن نیت ریاکارانه را با فشار آشکار توأم نماید، هم برای بدست آوردن زمان لازم در شرایط تجدید گروه بندی نیروها پس از پیروزی بایدن و هم مانع نزدیکی ایران و دیگر کشورهای منطقه به پکن گردد. در ماه مارس چین تحریم ایران را رد کرد و سطح خرید نفت از ایران را تا 3.7 میلیون تن بالا برد. این به تهران امکان داد که استخراج روزانه نفت را تا ۲,۳ میلیون بشکه افزایش دهد. کمی قبل از آغاز مذاکرات وین و بغداد، وزیر خارجه چین از خاور نزدیک دیدار نمود که دیدار تهران پرحاصل ترین آن بود. طرفین توافقنامه همکاری همه جانبه ای به مدت 25 سال به امضاء رساندند.

در غرب، این را همچون خطری برای تسلط خود قلمداد کردند. بایدن در جواب سئوالی در این رابطه اظهار داشت «همکاری ایران و چین مارا نگران کرده است». مجله آمریکایی «استراتژی» این توافقنامه را نقطه اوج مناسبات دو کشور نامید که نمودار تغییرات رادیکال در سیاست منطقه است.

**خلاصه ای از مقاله سرگنی گوژمیاکین از روزنامه پروادا
۳۰ آوریل ۲۰۲۱**

دیپلماتیک مابین تهران و ریاض بیش از ۵ سال است که قطع گردیده و جای خود را به بیانات دشمنانه داده است. پادشاهی عربستان از سیاستهای ضد ایرانی ترامپ حمایت کرد و حتی گام هایی در جهت نزدیکی به اسرائیل برداشت. در سال ۲۰۱۵ زمانی که توافقنامه برجام به امضا رسید. تحلیل های عجولانه بسیاری به دنبال خود آورد. مثلا گفته می شد که آمریکا و متحدینش بخاطر اینکه تمام نیرو را بر روی چین متمرکز کنند، از افزایش تشنج در خاور نزدیک امتناع ورزیده اند. واضح است که این نظرات کاملاً نادرست است. هر چند مسئله پکن در انگیزه های آمریکا نقش آخر را بازی نمی کند.

مارکس، انگلس و بدنبال آنها لنین بر عدم تفاوت اصولی بین دیپلماسی و جنگ در نظام سرمایه داری تاکید می کردند. هم اولی و هم دومی انعکاس منافع طبقه حاکم در هر لحظه مشخص است. هر گونه مذاکره و امضای توافقنامه، به معنای اراده خیرخواهانه نخبگان و تلاش برای «صلح جاودان» نیست. بلکه مانورهای موقت است برای تدارک مناقشات نوین.

باز هم انتخابات و...

پردازی های رژیم جهل و جنایت و تاریک اندیش ارتجاعی را نخواهند خورد و در مسیر دیگری قدم برخواهند داشتند اصل ۱۵ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است. این اصل در درون خود تضاد های جدی دارد از یک سو می گوید کتب درسی باید به زبان و خط فارسی باشد و از سوی دیگر تدریس ادبیات دیگر را آزاد اعلام می کند که باید پرسید زبان های دیگر را بعنوان زبان رسمی و تدریس یا آموزش آنها در مدارس و مراکز آموزشی قبول دارد یا نه؟ اگر مورد تأیید است باید این اصل اصلاح شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی که پر از تناقض است در شرایط ویژه ای تهیه و به فراندوم گذاشته شد که جامعه در التهاب انقلابی به سر می برد

با راه برون رفت از بحران کنونی را نمی دانستند در نتیجه به کلی گویی پرداختند که بیشتر به توهم گویی و تشویش اذهان شباهت داشت و تقلید ناشیانه ای از انتخابات آمریکا بود که باید یادآوری کرد که در ایالات متحده احزاب سیاسی اینگونه کارزار ها را از مدت ها پیش آغاز می کنند. این هم نوعی از جلوه های تاریخ است که جمهوری اسلامی رابطه ای با آمریکا ندارد ولی از آن تقلید کودکانه می کند، به هر رو در این مناظره دو تن از کاندیداها « مهرعلی زاده » شعر کوتاهی به زبان تورکی از « شهریار » خواند و « همتی » هم مقدمه کوتاهی به تورکی گفت و هشدار داد تا مردم به پای صندوق های رای بروند، به نظر می رسد در مناظرات روز های آینده به اصل نافرجام ۱۵ از قانون اساسی اشارات زیادی خواهد شد تا مردم مناطق پیرامونی را با استفاده از برانگیختن احساسات ملی با صندوق آشتی دهند، ولی گویا مردم مناطق پیرامونی با فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و زبان مخصوص خود گول دروغ

فارس صرف تقویت و گسترش زبان فارسی گاهی در داخل و گاهی دیگر در خارج از مرز ها شده، هر ساله تعدادی از اساتید زبان فارسی را از کشور های مختلف به کشور دعوت کردند، سمینار ها و کنفرانس ها ترتیب دادند ولی زبان فارسی هم همچنان مهجور ماند زیرا مشارکت برای تقویت آن از تقویت زبان های دیگر در کشور می گذرد.

روحانی تبلیغات انتخاباتی خود را با های و هوی فراوان آغاز کرد و به واحد های ملی دیگر وعده و وعید داد که اصل ۱۵ را به اجرا خواهد گذاشت، با تشکیل دولت « منشور شهروندی » را که باز نویسی قانون اساسی بود منتشر کرد ولی بعد از مدت کوتاهی به فراموشی سپرده شد و « علی یونسی » را که از همکاران دوران امنیتی بود بعنوان دستیار در امور اقوام و اقلیت انتخاب کرد، یونسی در سال های نخست چند نشست با آموزش و پرورش برای اجرای اصل ۱۵ تشکیل داد که با اعتراض شدید فرهنگستان زبان فارسی و ریاست آن « حداد عادل » روبرو شد، حداد عادل مرد همه دوران از رژیم گذشته تا کنون است. این شخص کم سواد و خود بزرگ بین فریاد بر آورد که با اجرای اصل ۱۵ زبان فارسی تهدید می شود و این یک توطئه است، حال مشخص نیست چرا این اصل را از قانون ارتجاعی و پر از تضاد خود حذف نمی کنند

آموزش به زبان مادری در جهان در حال گسترش است، پژوهشگران علوم اجتماعی و آموزشی در راستای گسترش آن فعالیت می کنند و به دستاورد های آن در آموزش و پرورش می پردازند تا جاییکه گزینش را به دست دانش آموز بدهند تا خود آن را انتخاب کند در این میان فعالیت های جهانی (با اسناد، معاهدات، منشور زبان مادری، اعلامیه جهانی حقوق زبانی، قومی و ملی، ماده ۳۰ از کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۲۷ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی، یونسکو) و نهاد های دیگر در این راستا همچنان ادامه دارد، نباید فراموش کرد آموزش به زبان مادری از حقوق فطری و طبیعی انسان است و هیچ قدرتی حق مقابله و یا مخالفت با آن را ندارد و نمی تواند حتی اجرای آن را به تعویق اندازد...

جمهوری اسلامی بار دیگر به فریب کاری دست می زند، شاید قول اجرای اصل ۱۵ و یا ۱۹ را بر زبان آورد ولی آزموده را آزمودن خطاست، نباید فریب این شیادان را خورد، آنها و نهاد های ارتجاعی وابسته به آنها هرگز حق انتخاب و تعیین سرنوشت را به رسمیت نخواهند شناخت، باید به دوران بعد از آنها اندیشید که زیاد دور خواهد بود...

و مداخلات آخوند ها که سال ها در پناهگاه و کمینگاه ها نشسته منتظر فرست بودند، روز افزون بود تا جاییکه مجلس موسسان را به مجلس خبرگان تغییر دادند و اصل ولایت را در آن گنجانند. اصل ۱۵ بعد از مذاکرات طولانی که در آرشیو کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس موجود است به این شکل تصویب شد ولی گفتگوی جالبی بین « مولوی عبدالعزیز » نماینده مردم بلوچستان و « بهشتی » ریاست مجلس در گرفت. در این گفتگو که برای بررسی قانون اساسی تشکیل شده بود، نماینده بلوچستان پرسید: اگر کسی بخواهد درس عربی یا بلوچی بخواند، دولت باید معلم آن دروس را استخدام کند و کتاب هم تهیه کند؟ بهشتی در جواب می گوید بلی، دولت موظف است که حق آنها را بدهد، در اینجا حق و تکلیف مطرح است، حق مردم دولت را مکلف می کند، بعد از بحث و گفتگو اصل ۱۵ به رای گذاشته می شود که از ۶۹ نماینده در مجلس ۲۷ نفر حضور داشتند، ۲۲ نماینده به این اصل رای مثبت و ۵ نماینده رای ممتنع دادند و اصل بدون رای مخالف به تصویب رسید، البته سال ها بعد شورای نگهبان آن را بگونه دیگری تفسیر کرد و زبان های محلی را غیر رسمی دانست و به آموزش و پرورش اجازه نداد تا زمینه تدریس زبان های محلی را فراهم آورد.

نخستین دهه انقلاب که بیشتر به جنگ و خونریزی و اعدام گذشت هیچگونه تلاشی برای اجرای اصل ۱۵ صورت نگرفت، تا به اصطلاح دوران سازندگی « هاشمی رفسنجانی » فرا رسید، در این دوره هدف رشد اقتصادی بدون آزادی های سیاسی و فرهنگی بود در نتیجه مبارزه با فعالان واحد های ملی که خواهان حقوق ملی خود بودند شدت گرفت، بار دیگر چاپ کتاب های تورکی به مشکل برخورد و ارشاد از دادن مجوز چاپ خود داری کرد ولی هنوز درجه خیلی کوچکی باز بود تا دوران به اصطلاح اصلاحات خاتمی رسید که شعارش فضای باز سیاسی در داخل و گفتگوی تمدن ها در خارج بود ولی در این دوره مبارزه با فعالان اجتماعی و فرهنگی ملل شدت بیشتری گرفت و با همه توان رژیم به مبارزه با کلمات تورکی تا نام کودکان، تابلو بوتیک ها و مغازه ها گسترش یافت در دوران احمدی نژاد بار دیگر تبلیغات ایرانگرایی و باستان گرایی بالا گرفت و بودجه مراکز فرهنگی بویژه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی افزایش یافت و هیچگونه سهم و بودجه ای برای تقویت زبان های دیگر در نظر گرفته نشد و بار دیگر مالیات و حق مردم غیر

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 159-ci nömrə İyun 2021

Qəzet təhriyə heyəti tərəfinfən nəşr olunur.

قزنت تحریریه هیتی طرفیندن نشر اولونور

قزنتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر

E- mail info @ adfmk.com